

تحریف نامی تاریخی در نشریه‌ای معتبر!

شهر توامعی

پژوهش»، «شرق»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی و..... به انعکاس این واکنشها پرداختند، آنچه در پی می‌آید گذری است بر این موضوع.

پویایی روابط بین‌المللی در عصر حاضر، از فضای پیچیده ناشی از جهانی شدن اثر پذیرفته و تحت‌الشعاع مفاهیم سنتی و بازنگری در مفاهیم و بازیگران بین‌الملل به همراه نظریه‌های متنوع در عرصه روابط بین‌الملل و تعامل میان واقعیات و نظریه‌ها و توجه به متغیرهای درونی و بیرونی در طبقه‌بندی رژیم‌های منطقه‌ای و جهانی با شتابی فزاینده، به صورت پیوسته در حال دگرگونی است و روابط بین‌الملل را به شبکه‌ای پیچیده و در عین حال گسترده تبدیل کرده است.

این پیچیدگی با افزایش تعداد بازیگران دولتی و تعداد سازمانهای بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی بین‌المللی و شرکتهای چند ملیتی، هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی، دوجندان شده است و هر روز گسترش می‌یابد و انزوای دولتها در این شرایط تصویری باطل و غیرممکن است. این پیچیدگی نه تنها در روابط بین کشورها بلکه در مرزهای جغرافیایی و تاریخی آنها نیز تاثیرگذار است. وجود هروودت یکی از معتبرترین مورخان باستانی در کنار اسکندر مقدونی و استرابون در کنار

سال گذشته مجله آمریکایی نشنال جئوگرافی در اقدامی تعجب‌آور و بحث‌برانگیز در نسخه اطللس ۲۰۰۴ خود از نام معمول خلیج عربی استفاده کرد که این اقدام با واکنشهای داخلی و خارجی زیادی مواجه شد. این اقدام با واکنشهای سراسری ایرانیان مواجه شد و علاوه بر نهادها و ارگانهای دولتی، سازمانهای غیردولتی و حتی مردم عادی نیز به مخالفت با آن برخاستند. در نهایت مجله یادشده وادار به عقب‌نشینی شد. برخی کارشناسان سیاسی، فشار آمریکا در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران و همزمان با آن تغییر نام خلیج فارس در یک مجله آمریکایی را معنادار دانستند. برخی گفتند آمریکایی‌ها برای اینکه بتوانند در خاورمیانه نفوذ کنند، قصد دارند انسجام این منطقه را برهم بزنند و با استفاده از نام خلیج عربی، درصدد تقویت حاکمیت اعراب بر جزایر سه‌گانه و در نهایت تغییر ژئوپولیتیک و استراتژیهای سیاسی، امنیتی منطقه هستند. برخی دیگر از کارشناسان نیز معتقدند این تغییر نام از سوی شیوخ عرب و با صرف هزینه‌های گزاف صورت گرفته است.

در هر صورت بازتاب این اقدام جدا از واکنشهای ایرانیان، تاریخ‌دانان و فرهیختگان جهان را نیز در پی داشت، نشریات و سایتهای بسیاری از جمله «فرهنگ و

امپراطور روم و کاشفان جغرافیایی در کنار دولتهای استعمارگر انگلیس، فرانسه، هلند و بلژیک و بهره‌جویی ناپلئون بناپارت و آدولف هیتلر از جغرافیا، وجود اندیشه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را ثابت می‌کند. موسسه‌هایی مانند مامان، هاوس، هوفر، نشنال جئوگرافیک و دهها موسسه دیگر در کشورهای انگلستان، آمریکا، آلمان، روسیه و فرانسه و سرمایه‌گذارهای نجومی بر آنها از اهمیت جغرافیا برای دولتها و حکومتها حکایت دارد.

جغرافیا امروزه برای اثبات هویت ملتها و تعیین تکلیف برای بسیاری از کشورهای بی‌پشتوانه تاریخی به ابزاری کارآمد تبدیل شده است و موسسه‌های مختلف با جعل نامها و عنوانهای ساختگی و غیرواقعی سعی دارند برای بعضی از حکومتها هویت‌سازی کنند.

موقعیتهای جغرافیایی امروزه از عوامل بسیار مهم و تعیین‌کننده در رفتار سیاسی و فرهنگی دولتهاست و در شکل‌گیری تصمیمهای آنها نقش اساسی ایفا می‌کند. برخی موقعیتهای جغرافیایی در جهان مانند خلیج فارس از چنان اهمیت بالایی برخوردار هستند که در طول تاریخ همواره حکومتها و دولتهای زیادی سعی در جعل نام این دریا به نفع خود کرده‌اند.

در اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز همین بس که ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۴ میلادی گفت «اگر ما، شش ساعت از باب تنگه‌های جهان از جمله تنگه هرمز باشیم آقای جهان خواهیم بود»

خلیج فارس با ویژگیهای منحصر به فرد مانند کمی عمق و شوری آب مجموعه حیاتی وابسته و پیوسته‌ای در کف، داخل و بالای سواحل خود ایجاد کرده است، به همین دلیل اکوسیستم آن نیز در جهان منحصر به فرد است از ویژگیهای دیگر این دریا وجود مه غلیظ و توده‌های ریز غبار و ذرات ریز یا دود معروف به نرم است که قابلیت دید شناورهای دریایی را تا یک کیلومتر کاهش می‌دهد، بنابراین موقعیت استراتژیک منطقه خلیج فارس موجب شده است که مدت‌ها کانون کشمکشهای سیاسی و جغرافیایی قرار بگیرد مثل ماجرای انتشار اطلس جدید نشنال جئوگرافیک.

این با تمییزاتی در مورد نام خلیج فارس و نام دو جزیره دیگر ایرانی و اظهارنظر و موضع‌گیری نسبت به وضع مالکیت جزایر سه گانه ایرانی، مدتی است که مطرح شده است.

در اطلس مورد بحث زیر نام کهن فراوانی خلیج فارس با همان حروف و همان رنگ ARABINGULF (خلیج عربی) نوشته شده است.

نام جزیره معروف کیش به یک باره به صورت ناشناخته به قیس تمییز یافته و زیر نام جزیره لاوان در داخل پراتنز، یک نام عربی شیخ شعیب آورده شده است، اقدام غیرمنتظره و بی‌سابقه دیگری که صورت پذیرفته عبارت است از آنکه با گذاردن فلش در برابر جزیره‌های ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، دو عبارت «اشغال شده از سوی ایران»، «مورد ادعای امارت» بارنگ قرمز نوشته شده است، جزیره‌هایی که جزیی از خاک سرزمین ایران به شمار می‌روند و فقط مورد ادعای یک شیخ‌نشین کوچک تازه پارگرفته قرار دارند.

مجله‌ای که طی ۱۶ سال گذشته در چشم جهانیان برای خود اعتبار و برو کسب کرده و ۲۵۰ میلیون مخاطب دارد این پیام را به ۲۵۰ میلیون نفر در دنیا که با اشتیاق مجله نشنال جئوگرافیک را ورق می‌زنند رسانده است که عربها اصرار دارند خلیج فارس را خلیج عربی معرفی کنند.

هرچند که این مجله در بخش بیانیه‌ها و اخبار خود توضیحی در این باره منتشر کرده است. اما به هر حال این سؤال مطرح است چرا رسانه‌ای با این تعداد مخاطب حقایق پذیرفته شده و مصوب بین‌المللی را به پرسش کشید است.

در این بیانیه آمده است نشنال جئوگرافیک خلیج فارس را نام اصلی این خلیج می‌داند اما روال متداول نقشه‌کشان و متخصصان این مجموعه این است که نام دومی که از سوی عموم به دست می‌آید، شناخته شده و داخل پراتنز عنوان گردد. در ادامه بیانیه به این نکته اشاره شده که برای افزودن نام خلیج عربی در داخل پراتنز و در کنار نام اصلی یعنی خلیج فارس فقط به یک منبع اکتفا نشده است. نشنال جئوگرافیک مدعی است این کار تلاش کرده از سیاسی کاری و جانبداری اجتناب کرده و بی‌طرفی و بی‌غرضی خود را تا غایت ممکن حفظ کند.

نشنال جئوگرافیک وقتی نام دوم را در داخل پراتنز در کنار نام اصلی قرار می‌دهد که بخواهد نشان دهد در مورد آن نام و مرزبندیهای آن اختلاف نظر وجود دارد. با این وصف نشنال جئوگرافیک ادعا می‌کند که در مورد این ادعا، خود قضاوت نمی‌کند، بلکه فقط می‌خواهد با این کار نشان دهد که در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. در این بیانیه نشنال جئوگرافیک وعده داده است که همین توضیح را در چاپهای بعدی نیز به چاپ برساند. این تغییر را در بخش اینترنتی خود نیز اعمال کرده است.

نشنال جئوگرافیک تنها به تغییر عنوان خلیج فارس



بسیار کرده بلکه به تغییرات دیگری نظیر تغییر عنوان دریای زاپین به دریای شرق و... نیز اشاره کرده است. هشتمین ویراست اطلس ۴۱۶ صفحه‌ای در جهان که نشانال جنوگرافیک به چاپ رسانده است، ۱۴۰ هزار نقطه جغرافیایی جهان را معرفی کرده و نسبت به ویراست قبلی ۱۵ هزار تغییر دارد. انجام این ۱۵ هزار تغییر ۵ سال زمان برده است.

مدارک بی چون و چرای تاریخی از منابع یونانی و رومی گرفته تا منابع پرشمار دوران بعد از اسلام به عربی و فارسی به روشنی حکایت از آن دارند که دست کم از دوران هخامنشیان به بعد در نوشته‌های یونانی و کتیبه‌های موجود در ایران همیشه این پهنه گسترده و مهم راهبردی به نام خلیج فارس یا فارس و دریای پارس خوانده شده است. بنا بر مدارک و اسناد معتبر به ویژه کتیبه‌ای که در زمان حفر کانال سوئز به دست آمده است، این خلیج در دنیای باستان به نام دریای پارس نامیده می‌شد.

تاریخ‌نویسان و پژوهشگران دنیای قدیم از جمله هرودوت، تئارخوس، استرابون و کورسیوس در آثار و نوشته‌های خود این دریا را دریای پارس و یا خلیج فارس نامیده‌اند.

بطلمیوس دو قرن پیش از میلاد این خلیج را پرسپیکوس سینوس نامید که به معنی خلیج فارس است. همین نام در نقشه جهان هنریکوس مارتولوس در سال ۱۴۹۲ میلادی نیز به کار رفته است.

در نوشته‌های جغرافی دانان و سفرنامه‌نویسان عرب و ایرانی همه جا با عنوان خلیج فارس، خلیج عجم، دریای فارس و یا بحر فارس از این پهنه یاد شده است که گاه دریای عمان و فراتر از آن را نیز جزء محدوده خلیج فارس آورده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از المسالک و الممالک ابن خردادبه، البلدان ابن‌فقیه، مسالک الممالک اصطخری، مسعودی، مقدسی، ابن‌حوقل، یاقوت حموی، ابوریحان بیرونی، حمدا مستوفی و گروه پرشمار دیگر یاد کرد. این بطوطه نیز در شرح سفر خود در این پهنه از آن با نام دریا، سخن می‌گوید.

در قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به نام «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که حدود هزار سال قبل تألیف شده به زبان فارسی نیز ترجمه شده، آمده است: خلیج فارس از حد پارس بر (سرچشمه) گیرد و با پهنای اندک تا سند رسد.

داریوش هخامنشی و اسکندر مقدونی هر کدام با اعزام نماینده‌های ویژه به خلیج فارس درباره آن به تحقیق

پرداختند.

سامانیان نیز در سواحل جنوبی آن نیرو پیاده کردند و یمن و مسقط را به تصرف خود درآوردند، اما قدیمی‌ترین قومی که مطالعه زمین را به طور جدی آغاز کردند، بابلی‌ها بودند. آنان در آثاری که دو هزار و پانصدسال پیش برجای نهادند زمین را صفحه مسطحی فرض کردند و به رودخانه آب‌شور «خلیج فارس» که آشوریان آن را نامرتو Narmarratu می‌نامیدند، نیز اشاره کردند. دلیل چنین تصویری، محدودیت اطلاعات جغرافیایی آنان بود که جهان را عبارت از سرزمین‌های واقع در اطراف بابل و میان‌رود نیل و شط دجله می‌دانستند و از دریاها، فقط خلیج فارس را می‌شناختند که در مجاورت آن سرزمین واقع بود.

نقشه‌ای از سلسله سوم بابلی‌ها موجود است که نشان‌دهنده میزان معلومات آن قوم از شکل جهان می‌باشد و در آن هفت جزیره به صورت مثلث در وری خلیج فارس نشان داده شده است.

پس از بابلی‌ها، علمای جغرافیایونیس قدیم که آثار آنان در واقع عمای پیدایش آثار بزرگ علمی در شرق و غرب عالم محسوب می‌شود. جهان را عبارت از خشکی مستطیل شکلی مرکب از سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا فرض می‌کردند و دریاها را شناخته شده را دریای متوسط یا خلیج روم، دریای خزر، خلیج فارس و خلیج عربی (دریای سرخ)



می‌دانستند. ابوریحان محمدبن احمدالبیرونی الخوارزمی نیز در کتاب ارزشمند «التفهیم الاوائل صناعة التتجهیم» این تقسیم‌بندی یونانیان را تأیید کرده است.

چنین تقسیم‌بندی جغرافیایی را که در منها اساس کار علمی دانشمندان جهان بود، در آثار بسیاری از دانشمندان بزرگ یونانی قبل از میلاد می‌توان جست‌وجو کرد، از جمله در آثار طالس ملطی که حدود سال‌های ۵۴۶ تا ۵۴۰ قبل از میلاد می‌زیست، «آناکسی سانه» که در سال‌های بین ۵۴۶ تا ۶۱۲ قبل از میلاد زندگی می‌کرد، خصوصاً «کوسماس ایندیوپولتس» ۵۳۵ قبل از میلاد، «هکاتوس» ۵۰۰ قبل از میلاد، «اراتوستن» ۲۰۰ قبل از میلاد، و بالاخره استرابون که مقارن با میلاد مسیح می‌زیست و به پدر جغرافیا معروف است.

در مدارک و آثار عربی قرن چهارم هجری یکی از آثار مهم این قرن کتاب «صورالاقالیم ابی‌زید» بلخی است که حدود سال ۳۲۱ هجری به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب نقشه‌ای آورده شده که دو دریای عظیم فارس و روم به روشنی و وضوح نشان داده شده است. کتاب «المساک و الممالک» (ابوالسحق ابراهیم‌بن محمد

اصطخری (۲۶ هجری بارزترین و گویاترین اثر جغرافیایی است که راجع به دریای فارس سخن می‌گوید. اصطخری در صفحه ۲۸ کتاب مزبور می‌نویسد: دریای فارس مشتمل است بر بیشتر حدود فارس و از فارس به دیار عرب و دیگر سرزمینهای اسلام متصل می‌شود.

ابوالقاسم محمدبن حوقل بغدادی فصلی از کتاب پرازش «سورة الارض» را که در سال ۳۶۷ هجری به پایان رسانیده به بحر فارس اختصاص می‌دهد و در شرح این دریای عظیم می‌گوید: دریای فارس از «قلمز» به «ایله» منتهی می‌شود، سپس حدود دیار عرب را دور می‌زند و از آنجا به آبادان و پس از قطع عرض دجله به «مهرویان» و بعد به «جنابه» می‌رسد. آنگاه از کناره‌های فارسی به سوی «سیراف» می‌گذرد و به سواحل «هرمز» از پشت کرمان امتداد می‌یابد و به دیپل و سواحل «ملتان» که ساحل «سند» است، می‌رسد و در این جا مرز بلاد اسلام پایان می‌یابد و به سواحل هندوچین و از سمت غرب نیز به بیابانهای مصر می‌رسد.

بنابراین در این کتاب خلیج فارس به طور وسیعی ترسیم شده است. بعد از این حوقل، حدود دریای فارس در آثار جغرافیایی رفته‌رفته در جهت تطبیق با حدود کنونی خلیج فارس تغییر پیدا می‌کند. براساس نتایج به عمل آمده می‌توان گفت که پیش از آنکه آریایی‌های ایرانی برفلات ایران تسلط یابند آسوریان این دریا را در کتیبه‌های خود به نام «قرمزتو» که به معنی «رود تلخ» است یاد کرده‌اند و این کهنه‌ترین نامی است که از خلیج فارس به جای مانده است.

در کتیبه‌ای که از داریوش در تنگه سوئز یافته‌اند این عبرت «دراپه تیه هچا پارسا آئی‌تی» *parsa aity* و *Drayaty hacha* یعنی «دریایی که از پارس می‌رود» که منظور همان خلیج فارس آمده است. در زمان ساسانیان نیز این خلیج را دریای پارس می‌گفتند.

مورخ دیگر یونانی «فلاویوس آریانوس» که در سده دوم میلادی می‌زیست که در کتاب معروف خود «آناتزیس» یا «تاریخ سفرهای جنگی اسکندر» ضمن شرح بحر پیمایی «نه‌آرخوس» که به امر اسکندر ماموریت یافته بود از رود سند به دریای عمان و خلیج فارس بگذرد و به مصب فرات داخل شود، نام این خلیج را «پرسیکون کالی‌تاس» *Perisikon kalitais* نوشته که ترجمه تحت‌اللفظی آن خلیج فارس است.

«شمس‌الدین ابوعبدا محمدبن احمدبن ابوبکر» بنای

شامی مقدسی، معروف به «بشاری» در کتاب «احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم» که آن را در سال ۳۷۵ به پایان رسانیده این دریا را مانند دیگران «بحر فارس» خوانده است.

«محمدبن نجیب بکیران» در کتاب «جهان‌نامه» که نسخه آن به تازگی در روسیه چاپ شده است، نیز از این دریا به عنوان بحر فارس یاد می‌کند و بسیاری از مدارک دیگر که درخصوص تأیید نام خلیج فارس وجود دارد.

اما درخصوص خلیج عربی که به رومی آن را «سینوس اُرابیکوس» (*Sinus arabicus*) یعنی خلیج عربیها می‌گفتند. در تاریخ و جغرافیای قدیم آن را به بحراحمر که بین تنگه باب‌المنندب و آبراه یوتز قرار دارد، نسبت می‌دادند که به مناسبت شتهای سرخ ساحل آن، آن را یونانی، «اریتره» (*Eritree*) و به لاتینی «ماره روبروم» (*Mare Rubrum*) یعنی دریای سرخ نیز می‌خواندند و بحر قلمز نیز نام داشت.

«هکاتایوس ملطی» از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا درگذشته در ۴۷۵ قبل از میلاد بحر احمر را «خلیج عرب» یاد کرده است.

هرودوت مورخ مشهور یونانی درگذشته در ۴۲۵ قبل از میلاد نیز در تاریخ معروف خود نام بحر احمر را مکرر خلیج عربی نوشته است. در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* که در ۳۷۲ هجری تألیف شده است از بحراحمر با عنوان «خلیج عربی» نیز یاد کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نخست، نام خلیجی که در جنوب ایران است از دو هزار و پانصدسال پیش، خلیج پارس یا بحر پارس نام داشته و خلیج عربی به بحر احمر اطلاق شده است.



دوم اینکه، این نامها را نخستین بار یونانیان بر این دو دریا یعنی خلیج فارس و بحراحمر نهاده‌اند و خلیج فارس و خلیج عرب گنند و عنصر ایرانی فارسی یا عربی قحطانی را در این نامگذاری دخالتی نبوده است. سوم اینکه، جغرافی‌دانان عرب و مسلمان، این دو نام را از یونانیان و رومیان آموخته و این دو اصطلاح را در آثار خود به کار برده‌اند، به خصوص که دریای پارس را به اتفاق خلیج فارس یا بحر فارس یاد کرده‌اند.

چهارم اینکه نام خلیج فارس در همه زبانهای زنده دنیا از قدیمی‌ترین زمان تاکنون پذیرفته شده و همه ملل جهان این دریای ایرانی را به زبان خود خلیج پارس می‌خوانند.

در پایان اینکه بدون آنکه همکیشان عرب‌نژاد ما در تسمیه خلیجی به نام خود نیازمند به تغییر نام خلیج پارس باشند از ۲۵۰۰ سال پیش، خلیجی به نام

ایشان که در حال حاضر بحرامر نام دارد، در تاریخ و جغرافیای قدیم آمده و در مآخذ یونانی از ۵۰۰ قبل از میلاد خلیج عربی خوانده شده است.

تاریخ چه می گوید؟

سراغاز و جایگاه تاریخی بحث ایران زدایی از خلیج فارس را بایستی سال ۱۸۲۰ یعنی زمان ورود بریتانیا به خلیج فارس دانست. در این سال اولین قرارداد تحت الحماگی بریتانیا با قبایل عرب در جنوب خلیج فارس امضا شد و تا سال ۱۸۴۰ هیچ فردی بر این امر اعتراض نکرد. در این سال حاج میرزا آقاسی رسماً به بریتانیا اعتراض کرد که مورد توجه هیچ کس قرار نگرفت.

پس از این اقدام نه تنها بریتانیا به کار خود خاتمه نداد بلکه آن را گسترش داد و با سران قبیله های عرب زبان از راس تنگه هرمز گرفته تا ساحل کویت قراردادهای مشابهی را امضا کرد. بریتانیا این قبایل را به شیخ نشینها و امارات عربی تبدیل کرد و در سال ۱۹۷۱ به آنها استقلال داد.

جدای از این موارد بریتانیا رسماً اقداماتی را نیز برای تبدیل بندرعباس، جنوب بلوچستان و مکران به مرزهای کنونی پاکستان انجام داد اما میرزا آقاخان نوری به جنگ علیه بریتانیا برخاست و این توپنه درهم شکست.

استاد روابط بین الملل، اولین پیشنهاددهنده تغییر نام خلیج فارس به خلیج عرب را «سرچارلز بلگریو» معرفی می کند. این پیشنهاد به دلیل درگیریهای متعدد بریتانیا با دولت ایران مسکوت ماند. تا اینکه در سال ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم در عراق کودتا کرد و حکومت را به دست گرفت و در زمینه ایران زدایی از خلیج فارس به اقداماتی دست زد، اما قاسم به دلیل ویژگیهای خاص و شخصیت منفروش پشتیبانی در میان کشورهای عرب نیافت.

در سال ۱۹۸۶ «جمال عبدالناصر» در مصر، در اوج جنگال «بان عربیسم» خود و در رویای رهبری جهان عرب و در مخالفت با سیاستهای رژیم سابق ایران این مسئله را دوباره مطرح کرد اما ناصر فراموش کرده بود که ده سال قبل از این اقدام، در مقدمه کتاب خود نقشه خلیج فارس را آورده و علاوه بر آن سرزمین اعراب را از اقبائوس اطلس تا خلیج فارس عنوان کرده بود. وی با این اقدام، خود را مورد تمسخر جهانیان قرار داد.

یک دهه بعد با ظهور حزب بعث و صدام حسین و جنایات بزرگ فرهنگی و سیاسی وی در منطقه خلیج فارس موضوع ایران زدایی از خلیج فارس دوباره جان

گرفت و رویای قدسیه صدام به این موضوع دامن زد، صدام حسین کافرانشها و کتابهای خلیج عربی را راه اندازی کرد. گفتنی است در این امر دانشگاهیان مزدبگیر به او کمک فراوانی کردند تا علاوه بر تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی، تغییر نام خوزستان به عربستان را نیز مطرح کند و با لشگرکشی به خوزستان بزرگترین حماقت خود را مرتکب شود.

امروز که صدام حسین در بین اعراب محلی از اعراب ندارد میراث خواری وی را کسانی دیگر برعهده گرفته اند، به طوری که پول زیادی را بدین منظور به نشریات مختلف از جمله نشریه نشنال جئوگرافیک می دهند تا نام خلیج فارس را تغییر دهد. در صورتی که نمی دانند، ایرانی که ۲۵۰۰ سال قدمت دارد، تغییرناپذیر است.

دکتر محمدعلی امامی، عضو ارشد وزارت امور خارجه نیز بحث ایران زدایی از خلیج فارس را از قرن ۱۹ به حضور فعال انگلیسی ها می داند و می گوید: در سال ۱۸۴۷ در عهدنامه ای که انگلیس با فتحعلی شاه بست تغییر عنوان خلیج فارس مطرح بود، اما در سال ۱۹۳۰ سرچارلز بلگریو نماینده انگلستان در بحرین به طور رسمی این بحث را اعلام کرد که با عکس العمل دولت وقت ایران مواجه گردید و پرونده بایگانی شد.

وی می افزاید: اقدامات دیگری از سوی ناسیونالیسم عربی یعنی با روی کار آمدن عبدالناصر در مصر، عبدالکریم قاسم در عراق و... صورت گرفت، اما اقداماتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت، این بود که یک گروه مذهبی ایرانی بحث تغییر نام خلیج فارس به خلیج اسلامی را مطرح کردند که این امر به سوء استفاده اعراب از این اقدام منجر شد.

دکتر مرتضی نجفی استاد دانشگاه علوم قضایی نیز در این خصوص می افزاید: علاوه بر اقداماتی که در چند دهه اخیر از جانب اعراب و انگلیسیها صورت گرفته است، پیشنهاد یک گروه ایرانی برای تغییر نام خلیج فارس به خلیج اسلامی عامل موثری شده است که غربیها و اعراب از این پیشنهاد سوء استفاده کنند.

وی این حرکت را خلاف تمام اسناد و مدارک معتبر در سطح جهان توصیف می کند و معتقد است: در سازمان ملل و سازمان بین المللی دریایی لندن و سازمانهای دیگر هیچ مدرکی دال بر اینکه خلیج فارس، خلیج عربی است، وجود ندارد.

وی می افزاید: این حرکت مشکوکی است که باید برای مقابله با آن یک اقدام ملی صورت گیرد. بهمین کشاورز و وکیل دادگستری نیز آغاز این ماجرا را از



آغاز سلطه استعماری انگلستان توصیف می‌کند و می‌گوید: منافع انگلستان در منطقه جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی و تجاری را در برمی‌گرفت و این عوامل با استیلای خلیج فارس ملازمت داشت.

سواحل طولانی ایران در خلیج فارس طبعاً آن را در موقعیت استراتژیک مناسبی قرار می‌داد که با اهداف و مطامع انگلستان در تضاد بود، از این رو انگلستان با استفاده از ضعف نیروی دریایی ایران همواره می‌کوشید برتری ناشی از داشتن سواحل طولانی را خنده‌دار کند. وی می‌افزاید در عین حال، انگلستان همواره مشتاق داشتن پایگاه‌های دائمی نظامی در خلیج فارس بوده به طوری که چنین پایگاهی نیز در قسمتی از قشم ایجاد کرده بود و همچنین تمایل بسیاری داشت تا جزیره کیش را نیز به پایگاه خود تبدیل کند.

کشاورز تاریخ روابط ایران و انگلیس را سرشار از سایه توطئه انگلستان علیه ایران در منطقه توصیف می‌کند و می‌گوید: این روند به صورت مناقشه‌ای دائمی در منطقه البته با درجات شدت و ضعف متفاوت ادامه داشته است به طوری که امروز با حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس موضوع جنبه دیگری پیدا کرده است، یعنی این بار «طرح ایران‌زدایی از خلیج فارس» مدعی دیگری غیر از انگلستان دارد که البته خود را در پشت شیوخ حاشیه‌نشین خلیج فارس پنهان کرده است.

در هر حال اگر به اصل موضوع برگردیم، حضور غربیها در این منطقه مهمترین عامل شدت این مسئله است، چرا که وقتی انگلستان از منطقه خلیج فارس خارج شد بین عربستان و ایران روابط خوبی برقرار شد و تمام مشکلات سرزمین ما و اعراب یعنی مرزهای دریایی بین ایران و عربستان، بحرین، قطر، کویت و عمان مشخص شد. اما با ورود آمریکا این مشکلات دوباره ظهور پیدا کرد.

وی تأکید می‌کند: با وجود غرب در منطقه ناامنی حکمفرما و با رفتن آن از منطقه امنیت برقرار می‌شود. دکتر مجتهدزاده به لحاظ تاریخی، تلاش برای تغییر نام خلیج فارس را به دو دوره جریان‌سازی از سوی پان عربیستهای افراطی نیز مرتبط می‌داند و می‌گوید: در موج اول که از دهه ۷۰ شروع شد، بیش از هر چیز همراه شدن اروپا با این ادعاهای واهی هدف‌گیری شده بود که اکنون نتیجه این موج‌سازی به وضوح مشخص شده است.

وی معتقد است، نکته حائز اهمیت این است که طی این دوره آمریکا از متهم شدن به همسویی با این جریان تا

حد زیادی مصون مانده است. ورود موسسه آمریکایی نشنال جئوگرافیک به جریان ساریهای ضدایرانی در کنار رویکردهای اخیر برخی نهادهای رسمی آمریکایی نظیر نیروی دریایی این کشور (مستقر در خلیج فارس) حاکی از اتفاق جدیدی است که در موج تازه ضد ایرانی رخ داده است. در موج جدید، برخی شیوخ عرب با تحویل پولهای بیشتر به محافل آمریکایی تلاش می‌کنند این کشور را نیز وارد جریان کنند.

این دسته از اعراب موفق شده بودند بخشهایی از اروپا را با خود همراه کنند اما تا همین یکی دو سال پیش هیچ گوش شنوایی در آمریکا برای ادعاهای خود پیدا نکردند، بنابراین متوجه می‌شویم حمله عراق به ایران، اشغال کویت، ورود نظامیان آمریکا به منطقه و تلاطم این جریانها تا سرنگونی صدا و شکل‌گیری اوضاع و شرایط امروز، نتوانسته بود تلاشهای برخی شیوخ عرب در جهت همراه کردن آمریکا برای حمایت از ادعاهای واهی نظیر تغییر نام خلیج فارس را با موفقیت همراه کند. اما اقدام اخیر نشنال جئوگرافیک نشان داد مسائلی نظیر حضور نظامیان آمریکا در منطقه و وابستگی تدارکاتی این نیروها به کشورهای حاشیه خلیج فارس، زمینه‌های همراهی آنها با برنامه تغییر نامهای جغرافیایی و تاریخی پر ضد ایران را فراهم آورده است.



ورود یک موسسه تحقیقاتی که یک فرآیند ماهیتاً سیاسی در واقع می‌تواند بیانگر عمق نفوذ اقتصادی شیوخ خلیج فارس برای جعل تاریخ منطقه باشد.

اکنون آنچه مورد تأکید و توافق بسیاری از صاحب‌نظران می‌باشد، این است که اقدام نشنال جئوگرافیک صرفاً پاسخی مثبت به تطمیع برخی شیوخ عرب ارزیابی می‌شود.

در این خصوص دکتر عبدالرسول خیراندیش استاد دانشگاه می‌گوید: نیازهای اقتصادی مؤسسات تحقیقاتی، بنسرت‌های نفوذپذیری آنها در مقابل سود جریان سیاسی را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، فشارهایی که در حوزه‌های مختلف بین‌المللی بر ایران وارد می‌آید، زمینه اقداماتی نظیر آنچه را از سوی نشنال جئوگرافیک صورت گرفت، فراهم آورده است.

وی اضافه می‌کند: در سالهای اخیر، کشورهای عربی با استفاده از ابزارهای اقتصادی تلاشهایی را برای مطرح کردن عنوانهای معمول در حوزه خلیج فارس آغاز کرده‌اند.

این استاد دانشگاه تصریح می‌کند: تغییر نامهای

جغرافیایی، اصولاً صورت نمی‌گیرد، چرا که «نام» بخشی از مشخصات اساسی یک منطقه جغرافیایی است و ذکر یک نام جغرافیایی پیامدهای مختلف علمی به دنبال دارد. در مورد نام خلیج فارس نیز باید اذعان کرد که این نام با موقعیت تمدنی ایران پیوندی مستقیم دارد.

دکتر خیراندیش این مسئله را کاملاً سیاسی عنوان می‌کند و می‌گوید: در مجامع علمی اصالت نام خلیج فارس روشن و مسلم است. از نظر مجامع بین‌المللی، سازمان ملل و محققان علمی نیز نام واقعی و صحیح این خلیج را خلیج فارس می‌دانند.

وی می‌افزاید: در این میان دو عامل عمده از جمله دل‌رهای حاصل از نفت و سپس فعالیت‌های دیپلماتیک در تخریب نام این دریا عامل تشدید کننده بوده‌اند. همچنین دکتر نجفی یکی از عوامل عمده این تغییر نام را، کسب هویت کشورهای حاشیه‌نشین خلیج فارس عنوان می‌کند و می‌گوید: این کشورها به دلیل اینکه تازه شکل گرفته‌اند، به دنبال این هستند که برای خود کسب هویت کنند، بنابراین در ادبیات و سیاست خود همواره رقیب ایران بوده‌اند. این کشورها هر وقت احساس می‌کنند که ایران درگیر یک مسئله بین‌المللی است بلافاصله مطالبات غلط خود را اعلام می‌کنند و تنها مطالبه آنها تغییر نام نیست، بلکه جزایر سه‌گانه نیز مطرح است.

وی می‌افزاید هسته مرکزی این ماجرا خود عربها و دولتهای عربی منطقه خلیج فارس هستند. این سناریو به وسیله کشورهای عربی نوشته می‌شود و هزینه گزافی نیز پرداخته می‌شود تا عده‌ای این نقش را ایفا کنند. روزی سرچارلز بلگریو، کارگزار معروف انگلیسی این کار را انجام می‌دهد و روزی دیگر در نشنال جئوگرافیک مطرح می‌شود.

دکتر نجفی بی‌تفاوتی عده‌ای از ایرانیان را نیز عامل موثر دیگری می‌داند که بر شدت این مسئله می‌افزاید.

وی تصریح می‌کند: اگر ما در مورد این مسائل از خود تعصبی نشان ندهیم این کشورها مطالبات خود را افزایش می‌دهند.

دکتر امامی نیز به منفعت آمریکا در منطقه خلیج فارس اشاره می‌کند و می‌گوید: آمریکا در این منطقه بیشترین پایگاه را داراست. از جمله در قطر، کویت، بحرین، امارات، عربستان و عمان، همچنین در مسئله عراق، آمریکا نیاز شدیدی به کمک کشورهای عربی دارد، به همین دلیل سیاست دلجویی یا رضی کردن اعراب را در پیش گرفته است.

وی می‌افزاید: این اقدام آمریکا مشابه سیاست انگلستان

در نیمه‌قرون سیم است.

سیاست و دیپلماسی

قدرت و جارت در دیپلماسی عامل مهم در طرح این گونه مطالبات است. اگر بتوانیم حساسیت‌های لازم را به موقع انجام دهیم فرصت را از رقیب و بدخواه خواهیم گرفت. ما در جایگاه جهانی خود نیاز به یکسری حقوق داریم، از جمله حق حفظ حریم مرزهای ملی و بین‌المللی، حق استفاده از فناوری هسته‌ای، مسئله مطالبات در جنگ تحمیلی و... که باید در مقابل نسلهای آینده باسختگو باشیم. اینها نکاتی است که ضمیر تاریخی ملت‌ها و مردم به‌ویژه ایران را دربر می‌گیرد. روزی نسلهای آینده از ما خواهند پرسید که چه برای ما باقی گذاشتید؟ باید توجه کنیم که مظلومیت ما در منطقه موجب توهّم و تصور غلط خواهد شد و در آینده نیز شاهد جنگهای پنهان و آشکار خواهیم بود.

دکتر خیراندیش معتقد است که در فعالیتها و روابط با خارج از کشور، بایستی اهتمام جدی داشت و لازم است در این گونه مواقع دقت و سرعت بیشتری به کار برد.

کشاورز نیز در این خصوص می‌گوید: ایران در قبال این فشارها باید سیاست غیرقابل انعطافی در پیش بگیرد، چون کوچکترین عقب‌نشینی، عقب‌نشینی‌های بزرگ بعدی را در پی خواهد داشت.

وی معتقد است: انزوای ایران در عرصه بین‌المللی و عدم توانایی کافی نظامی در خلیج فارس موجب می‌شود کشورهایی که در پی مطامع اقتصادی خود هستند، از این فرصت سوءاستفاده کنند.

دکتر امامی معتقد است در بعضی موارد مشاهده می‌شود رسانه‌های هگانی از جمله صدا و سیما، از عنوان ناقص خلیج به جای خلیج فارس استفاده می‌کنند و حتی در تهران خیابانی به نام خلیج نامگذاری شده که باید نام کامل آن آورده می‌شد.

به عقیده عضو ارشد وزارت امورخارجه، دیپلماسی در خلأ عمل نمی‌کند. دیپلماسی هر کشور بازتابی از قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی آن کشور است و نحوه رفتار و مناسبات با دولتهای مختلف و کشورهای گوناگون می‌تواند پیش زمینه این موضوع باشد.

بر همین اساس وی می‌گوید: همه ارگانها می‌توانند در این زمینه گامی موثر بردارند. باید در کشور اجتماعی به وجود بیاید که بتواند این ضعف را از بین ببرد.

نخبگان علمی کشور این روزها تصریحات علمی اینچنینی را ژ منظر دفاع از موجودیت و هویت ملی بر زبان می‌آورند. دفاع از «ایران» در مقابل «جریان جعل



دکتر پیروز مجتهدزاده در این خصوص معتقد است:
حذف واژه «فارس» از عبارت خلیج فارس به قصد اهانت
و نادیده گرفتن هویت ایران صورت می‌گیرد.

وی می‌افزاید: نامیدن یک منطقه جغرافیایی با عناوین
مختلف فی‌نفسه مذموم نیست، بلکه برای مثال
فرانسوی‌ها دریای شمالی خود را «مانش» می‌نامند و
انگلیسی‌ها به آن «کانال انگلیسی» می‌گویند. با این
حال اختلاف در نام و عنوان، حائز اهمیت تلقی نمی‌شود،
اما در مورد خلیج فارس وضعیت به گونه دیگری است.

به اعتقاد این محقق و استاد دانشگاه حرکت اخیر نشنال
جئوگرافیک را نباید منتهای دیگر رویدادهای تحلیل و
ارزیابی کرد.

او تأکید می‌کند که این اقدام در خلأ صورت نگرفته
است بلکه بخشی از برنامه‌ریزی گسترده برای
ایران‌زدایی از خلیج فارس است.

به هر حال در اینگونه موارد اگر ادعای حقوقی بدون
مطالعه صورت بگیرد، زیانش خیلی بیشتر از سودش
خواهد بود، البته گفتنی است به اندازه کافی
مستندات تاریخی برای این اقدام داریم.

دکتر امامی با اشاره به اینکه سازمان ملل در
سه نوبت نسبت به تغییر نام خلیج فارس اخطار
داده است می‌گوید: این اخطارها بنا به اعتراض

ایران در مورد به کار بردن نام خلیج فارس صورت گرفته
است، ابتدا در ۵ مارس ۱۹۷۱ سپس ۱۰ اوت ۱۹۸۴ و دیگر
در ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰ بود.

درخصوص «نشنال جئوگرافیک»، با وجود اینکه این
نشریه ارزش علمی دارد ولی با این کار شخصیت خود را
زیر سوال برده است. هیچ کس نمی‌تواند به نام
خلیج فارس آسیبی برساند، همان‌طور که در گذشته این
اقدامات به سرانجام نرسید.

دکتر امامی تعداد کشورها و وسعت مرزهای جغرافیایی را
دلیلی برای تغییر نام نمی‌داند. همان‌طور که خلیج
بنگال در کنار هند است ولی خلیج هند خوانده نمی‌شود
و یا خلیج مکزیک در کنار امریکاست اما خلیج مکزیک
نامیده می‌شود و بسیاری از جاهای دیگر با عنوانهای
مختلف یاد می‌شوند. همان‌طور که اندیشمندان و
روشنفکران عرب در آثارشان به طور صریح از
خلیج فارس یاد می‌کنند. به طوری که «علی حمیدان» در
کتاب خود به نام «شاهزادگان طلای سیاه» نام
خلیج فارس را استفاده کرده است.

دکتر «سلیم واکیم» در کتاب روابط ایران و اعراب نام

خلیج فارس را استفاده کرده است.
دکتر سلیم واکیم در کتاب روابط ایران و اعراب نام
صحیح خلیج فارس را استفاده کرده است.

دکتر «محمد موصل» از مصر گفته، تلاشهایی که از
سوی عده‌ای در مورد تغییر نام خلیج فارس می‌شود،
نادرست است و باید نام صحیح آن استفاده شود.

دکتر نجفی به طور صریح ابراز می‌دارد: ابتدا باید به
بررسی این موضوع بپردازیم که این موضوع از کجا
سرچشمه می‌گیرد، آیا دولت یا دولتهایی پشت این قضیه
هستند و سپس به دعوی حقوقی بپردازیم، اما ابتدا باید
به ملابکه و گفت‌وگو به عنوان اولین راه بنده کنیم.

وی ادامه می‌دهد، اگر در نهایت این اتفاق دوباره تکرار
شد، می‌توانیم براساس راهکارهای بین‌المللی چاره‌ای
ببیندیشیم، چون در این صورت این روند می‌تواند سرآغاز
حرکت‌های مذبحخانه دشمن باشد و بعید نیست که تغییر
عنوان خلیج فارس پیش زمینه‌ای برای مسئله جزایر
سه‌گانه باشد، بنابراین باید یک بازتاب جدی از خود نشان
دهیم.

این استاد حقوق دریاهای تصریح می‌کند: در قانون ۷۸
تکلیف دولت و حکومت درخصوص مرزها



مشخص شده است، بنابراین اگر مرز تاریخی ما
مورد تعرض قرار بگیرد، قطعاً می‌تواند به
صورت قبیضی به مرزها و سرحدات نیز آسیب
برساند، بنابراین باید یک عرض حال حقوقی به
نهاد دیصلاح بین‌المللی بدهیم.

دکتر نجفی با بیان اینکه این حرکت را نباید یک اقدام
بی‌سابقه تلقی کنیم، می‌گوید: از دیرباز این موارد به
شکل‌های مختلف صورت گرفته است. این اختلاف
برخاسته از نگاه غیرمنطقی کشورهای عربی به مسائل
است.

وی می‌افزاید: کشورهای عربی به دلیل وسعتی که در
این منطقه دارند نمی‌توانند ادعای چنین حقی کنند،
چون در مرحله اول این امر رایج نیست.

در مرحله دیگر این امر منطقی نیست و هیچ دلیلی برای
این تغییر نام وجود ندارد. ایران قدمت چند هزار ساله
دارد و همه سازمانهای بین‌المللی آن را به رسمیت
می‌شناسند. حال با شکل‌گیری کشورهای عربی که به
کشورهای ذرهای معروفند، این واقعیت تاریخی تغییر
کند؟

وی ادامه می‌دهد اگر بخواهد براساس این استدلال
تغییر عنوان صورت بگیرد، پس باید در بسیاری از نقاط
دیگر نیز این تغییرات صورت گیرد.

بهمین کشور نیز درخصوص دعوی حقوقی این ادعا

می‌گوید: در کنفرانس ژنو و کنوانسیون ملل متحد برای حقوق دریایا و آبهای جهان ضوابطی بدون شده است، در آن زبان ۲۰ منطقه در جهان مشمول این تعریف شناخته شده بودند که یکی از آنها «خلیج فارس» بود.

وی معتقد است نام فارس برای خلیج فارس نامی است که حق مالکیت برای آن ایجاد کرده و مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته و حقوق متعلق به آن مربوط به ایران است و اعراب هیچگونه حقی نسبت به این منطقه ندارند.

این حقوقدان ادعای شیخ‌نشینهای عرب را بهانه جویبهای بی‌اساس تلقی می‌کند و معتقد است: در صورتی که اعراب به مطالبات بی‌پایه خود لایحه بدهند ایران نیز می‌تواند برخی مطالبات خود را که کاملاً مستقل و دارای سند است، مطرح کند که شاید به مذاق عده‌ای خوش نیاید.

دراین خصوص دکتر خیراندیش معتقد است: ممکن است این تغییر نام در یک اطلس جغرافیایی به منظور تخریب ایران و طرح شکایت و گشودن سیاستی دیگر باشد. از آنجا که ممکن است این طرح شکایت در دادگاه‌های کنور آمریکا باشد، چنین احتمالی را نباید از نظر دور داشت، لذا با توجه به حقانیت علمی و فرهنگی ایران باید نام خلیج فارس را، فعلی مسلم عنوان کرد و بر میزان فعالیت‌های علمی و فرهنگی در خصوص آن افزود.

وی می‌افزاید: ایران باید این اقدام را اختلال در نظم اطلاع‌رسانی بین‌المللی نیز بداند چون ارائه یک نام معجول در عرف بین‌المللی موجب عدم اطلاع‌رسانی صحیح، به عنوان حقی همگانی، می‌شود.

دکتر خیراندیش طولانی بودن مرزهای جغرافیایی اعراب را دلیلی بر تغییر نام خلیج فارس نمی‌داند و معتقد است اقدام به تغییر نام‌های جغرافیایی شناخته شده و معروف موجب هرج و مرج در ارتباطات بین‌المللی و فرهنگ بشری خواهد شد. ضمن آنکه بستر تفاهم‌های سیاسی و فرهنگی را نیز با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهد کرد.

اقدام اخیر نشان جئوگرافیک به لحاظ علمی یک حرکت حیرت‌انگیز است. موسسه‌ای که باید دزی مستحکم برای راقبت از جغرافیا و اسامی واقعی نقاط مختلف جهان باشد، تغییری را در نام یک منطقه مهم جغرافیایی اعمال کرده است که با هیچ یک از معیارهای علمی همخوانی ندارد. باید از جغرافی دانان منبر دنیا این سوال را پرسید که آیا موافقید به خاطر کشمکشهای سیاسی، مشخصه‌های جغرافیایی یک منطقه تغییر کند؟

در واقع موج اعتراض نسبت به اقدام نشان جئوگرافیک باید از سوی محافل علمی و نخبگان حوزه جغرافیا ایجاد شود. توسل به مسائل علمی، روشی است که می‌تواند حتی در جهان عرب، حامیانی برای ایران در مقابل این موج ضدایرانی پدید آورد، کما اینکه طی سلهایی که از تلاشهای برخی شیوخ عرب برای تغییرات جغرافیایی در خلیج فارس می‌گذرد، شماری از محاف علمی و دانشگاهی جهان عرب نیز هیچگونه همراهی با این موج‌سازی از خود نشان ندادند. شاید علت این عدم همراهی نخبگان دانشگاه‌های کشورهای عربی را بتوان در عدم اثبات این تغییر نام به لحاظ علمی جست‌وجو کرد چنان که اقدام نشان جئوگرافیک نیز در وهله نخست خلاف رویه‌های معمول ثبت مشخصات جغرافیایی از رایبمی می‌شود.

اسامی جغرافیایی براساس زمینه‌های فرهنگی و تاریخی و در طول زمان شکل می‌گیرند و تثبیت می‌شوند. در واقع این اسامی بر مبنای ملاحظات سیاسی و نژادی به وجود نمی‌آیند که به واسطه این ملاحظات تغییر کنند. براین اساس اقدام نشان جئوگرافیک مطابق با رویه‌های همیشگی نامگذاری جغرافیایی نیست.



از سوی دیگری در هیچ یک از نشستهای سالانه «کمسیون سازمان ملل برای وحدت در اسامی جغرافیایی» به رغم تلاشهای مستمر کشورهای عربی، نام خلیج فارس دست‌نخور هیچ تغییری نشده است. بنابراین گردانندگان نشان جئوگرافیک باید توضیح دهند با استناد چه منابعی، برخلاف اعلام رسمی کمسیون سازمان ملل عمل کرده‌اند.

صرفنظر از اسناد تاریخی، حتی اگر شرایط امروز را در نظر بگیریم، خود را با واقعیت‌های انکارناپذیری مواجه می‌بینیم، از جمله اینکه ایران در حال حاضر، طولانی‌ترین ساحل را در خلیج فارس دارد، فارس، بزرگترین قوم و جمعیت حاشیه خلیج فارس محسوب می‌شود و تنگه هرمز به عنوان مهم‌ترین بخش خلیج فارس به ایران نزدیکتر از هر کشور دیگری است. تمام مشخصه‌های جغرافیایی و جغرافیای انسانی، صحت وجه تسمیه خلیج فارس را اثبات می‌کند، به طوری که مراجعه به پیشینه این منطقه نیز نشان‌دهنده این موضوع است. برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تا چند سال پیش قبیایلی کوچک محسوب می‌شدند و اکنون به کشورهای مستقل تبدیل شده‌اند. اما نظام حکومتی ایران سالها، قالبی فرالی داشته و حضور قبایل

و طوایف مختلف در آن طبیعی محسوب می شود. تا پیش از طرح مباحث پان عربیسم از سوی جمال عبدالناصر و طی قرنهای متعددی، طوایف مختلف حاشیه خلیج فارس بدون هیچ گونه مشکلی در کنار یکدیگر زندگی می کردند. مراجعه به متون تاریخی نشان می دهد که تا همین چند سال پیش، شیوخ ساکن منطقه با عنوان «خلیج فارس» آدرس خود را اعلام می کردند. گردانندگان نشنال جئوگرافیک مدعی شده اند: از آنجا که خلیج فارس طی سالهای اخیر با عنوان خلیج عربی نیز شناخته می شود، عبارت خلیج عربی را در کنار نام اصلی آورده اند تا کسانی که برای انجام امور تحقیقاتی نظیر جست و جویهای اینترنتی، اقدام می کنند، دچار مشکل نشوند.

نکته جالب توجه این است که تقریباً تمامی مخاطبان این نشریه بین المللی محققان و کارشناسان حوزه جغرافیا و یا کسانی هستند که حقایقهای جغرافیایی جهان مطلع اند، در این صورت ذکر عنوان معمول «خلیج عربی» چگونه قابل توجه است؟

بازتاب جهانی تغییر نام خلیج فارس

اعتراض ایرانیان مستقل از سراسر جهان به اقدام اخیر موسسه نشنال جئوگرافیک از بابت قراردادن عنوان جعلی «خلیج عربی» جلوی نام «خلیج فارس» معرفی کردن جزایر کیش و لاوان با نامهای عربی «قیس» «شیخ شیب» و همچنین معرفی ایران به عنوان اشغال کننده جزایر سه گانه، سرسختانه بود، به گونه ای نشریه یادشده، واقعیت را پذیرفت و رسماً از این بابت عذرخواهی کرد. مرور برخی از بازتابهای ایرانیان در داخل و خارج از کشور نشان می دهد که هم میهنان ما به دور از تصبهای قومی و غیرواقعی، به یاری اسناد متقن، تاریخی، با منطق گفت و گو و بحثهای علمی و آکادمیک بر هویت ملی و تاریخی خود پای می فشرند. از جمله نامه برخی از استادان ایرانی مقیم خارج از کشور به رئیس جمهور و تشکیل سازمان دفاع از خلیج فارس خواندنی است.

روز خلیج فارس

حضور محترم حجت الاسلام آقای محمدخامنی رئیس جمهور گرانقدر جمهوری اسلامی ایران عالی جناب

ما مضانکنندگان زیر به نمایندگی از طرف سازمان (دفاع از) خلیج پارس www.persianguelfonline.org به دلیل اهمیت ویژه ای که این دریا در زندگی کشورمان داشته و دارد و به دلیل حساسیتهای فوق العاده ای که به تازگی نسبت به موجودیت ایران در خلیج پارس به وجود

آمده است رسماً تقاضا داریم که روز خاصی به عنوان «روز خلیج پارس» روی تقویم ملی کشورمان مشخص شود. سالهای چندی است که سازمان ما تلاش خود را وقف دفاع از نام تاریخی خلیج پارس «Persian Gulf» کرده و در مبارزات اخیر علیه تلاش بنیاد نشنال جئوگرافیک در زمینه تغییر نام خلیج پارس و شماری از جزایر ایرانی در آن دریه، پیشگام و پرتلاش بوده است. در حقیقت شماری از اعضای ما حدود چهل سال است که در این راستا گام برداشته و تلاش کرده اند.

اخیراً دولت جنابمیلی به گونه سازنده ای در این مسیر فعال بوده و در دفاع از نام تاریخی خلیج پارس دست به اقدامات سودمندی زده است. در حمایت از این سیاست بوده است که دولت جناب عالی ترجیح داد تلاش و کوشش مثبت را جانشین سکوت غیرسودمند سازد و برای خنثی کردن توطئه های دیگران علیه هر آنچه به میراث گرانبهای ایران مربوط می شود قامت آراسته کند. اخراج نماینده نشنال جئوگرافیک از ایران و ممنوع کردن ورود نمایندگان آن بنیاد به ایران به دلیل اقدام تجاوزکارانه علیه نام راستین خلیج پارس و حقوق سرزمینی ایران در آن دریا نمونه بارزی از این جهت گیری سیاسی مثبت دولت جناب عالی بوده است.



ما سیاستگذار دولت آن عالی جناب خواهیم بود اگر پیشنهاد سازمان ما در زمینه تعیین و تثبیت یک روز مشخص روی تقویم ملی کشور عزیزمان به منظور بزرگداشت اهمیت خلیج پارس در رابطه با حیات سیاسی و اقتصادی ایران، به عنوان «روز خلیج پارس» مورد حمایت قرار گرفته و به عمل درآید. سازمان ما روز نهم آذرماه را که سالروز پیروزی ملت ایران در بازگرداندن جزایر تب و ایبوموسی به حاکمیت و مالکیت تاریخی ایران است، برای این منظور برگزیده است. این روز ویژه در یک پروسه مصوکراتیک از میان علاقمندان دیگر به تصویب اکثریت قاطع اعضا و دیگر علاقمندان قرار گرفته و از این پس به عنوان «روز خلیج پارس» مورد بزرگداشت آنان خواهد بود. ما به حمایت و تایید این پیشنهاد از سوی آن عالیجناب که حمایتی بسیار مهم و کارساز خواهد بود متکی بوده و از هم اکنون سیاس فراوان خود را پیشکش آن عالیجناب می کنیم.

ارادتمند
O دفتر حیات اجرایی

دکتر محمد علا استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و رئیس هیئت مدیره سازمانهای خلیج فارس (PGO) و میراث ایران (Iran Heritage)

○ مدیرعامل سازمان خلیج فارس . PGO
 ○ هیات مشاوران سازمان خلیج فارس
 دکتر پیروز مجتهدزاده - استاد دانشگاه - ایران و بریتانیا
 دکتر کاوه فرخ - استاد دانشگاه - کانادا
 دکتر داود رهنی - استاد دانشگاه - ایالت متحده
 دکتر حمید زنگنه - استاد دانشگاه - ایالت متحده
 دکتر محمد نواب - استاد دانشگاه - ایالت متحده
 دکتر فرهنگ مهر - استاد ممتاز
 تربیتابارسی - رئیس شورای ایرانیان امریکایی NIAC
 ○ روابط عمومی

امیر تقشینه پور - کالیفرنیا

مسعود ناصری - میشیگان

○ پژوهش و انتشارات

دانیال پورکسالی - ویرجینیا

پژمان اکبرزاده - سخنگو در ایران

○ اعضای افتخاری

پروفسور ریچارد نلسون فرای - استاد ممتاز و موسس

مرکز خاورمیانه دانشگاه هاروارد

ترنس وارد - مولف کتاب «در جستجوی

حسن»

بر همین اساس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به مسولان و کارشناسان فرهنگی کشور

پیشنهاد کرد که برای عمومی کردن

فرهنگ ایران شناسی برنامه های موضوعی مانند

«چشنواره فرهنگی، هنری، خلیج فارس» را طراحی و برپا

کنند.

مسجدجامعی تاکید کرد: برای گسترش مفهوم

ایران شناسی و هویت ملی باید به فکر تقویت امنیت

فرهنگی کشور بود.

نباید اجازه داد که برای مناطق مختلف کشور نام جعلی

بگذاردند زیرا ایران دارای فرهنگ و هویتی واحد و قابل

دفاع است.

وی معتقد است، این هویت و دفاع از آن به عنوان یک

واقعیت و حقیقت می تواند در قالب هنر، ادبیات و به ویژه

سینما بیان شود. آداب، رسوم، سنن، تاریخ و جغرافیای

مناطق مختلف کشور به بزه نقاط دربابی، دستمایه

مناسبی برای برپایی جشنواره ها و رویدادهای متعدد

فرهنگی و هنری است.

از اقدامات دیگری که صورت گرفت می توان، کوشش

سرسختانه و بلاگ نویسیان و دیگر ایرانیان فعال در

شبکه اینترنت است. جست و جوگران عنوان «خلیج عربی»

همچنان با جست و جوی این عبارت در تارنمای گوگل، با

صفحه های مواجه خواهند شد که حاوی متن کوتاهی
 است، مبنی بر اینکه چنین خلیجی در دنیا وجود ندارد و
 نام درست آن Persian Gulf است. «خلیج فارس» است.
 در ادامه این فعالیتها، ایرانیان در بخشی از تارنمای
 آمازون که در آن اطلس ۲۰۰۵ نشانال جنوگرافیک به
 فروش می رسد، به نوشتن ده ها نقد منفی درباره این
 اطلس پرداخته اند که موجب افت شدید در ارزش گذاری
 این اثر از دید مشتریان سایت شده است ولی گردانندگان
 آمازون در اقدامی ناگهانی که ظاهراً در روز اول دسامبر
 صورت گرفت، تمام نقدهای منفی ایرانیان را از تارنمای
 خود حذف کردند، به طوری که از سیصد نقد موجود در ۲۹
 نوامبر در حال حاضر تنها بیست و شش نقد در این تارنما
 باقی مانده است.

تا به امروز تعداد ایرانیان معترضی که دادنامه اینترنتی
 علیه نشانال جنوگرافیک را امضا کرده اند از مرز شصت و
 دوهزار نفر گذشته است. همچنین واکنش خبرگزاریهای
 جهانی، اسناد تاریخی و بیانیه های سازمان ملل و در
 نهایت گزارشهایی از فعالیت ایرانیان در این خصوص نیز
 در تارنمای گروه ویژه خلیج فارس قابل دسترسی است.

فرانک رویلنس، از این واکنشها گزارش مفصل
 و جالبی برای روزنامه «بالتیمورسان» چاپ
 امریکا نگاشته که بخشهایی از آن بدین شرح
 است: «از هزاران سال پیش، مردم در پارس
 باستان و فرزندان آنها در ایران امروز، این منطقه

را خلیج پارس نامیده اند، ولی نقشه سازان موسسه نشانال
 جنوگرافیک دریافته اند که برخی از عوامل نظامی امریکا
 و برخی دیگر از نقشه سازان، از عنوان خلیج عربی نیز
 برای آبهای جنوب غربی ایران استفاده می کنند.

این اقدام، آنها را با ایرانیان در تمام نقاط دنیا درگیر کرده
 است. این احساسات نمایانگر افتخار عمیق ایرانیان به
 تاریخ و فرهنگ باستانیشان می باشد...» در ایالتهای
 ویرجینیا و واشنگتن نیز تعدادی از ایرانیان مقیم این
 ایالات اظهارات اعتراض آمیزی در برابر ساختمان نشانال
 جنوگرافیک برگزار کردند.

یکی از اقدامات مهم دیگر در این زمینه اقدام پروفسور
 توج دریایی بود، این استاد تاریخ ایران در دانشگاه ایالتی
 کالیفرنیا در اعتراض به اقدامات غیر حرفه ای و
 غیراخلاقی این موسسه، استفاده نام خود را تسلیم مدیر
 نشانال جنوگرافیک کرد. وی به عنوان نویسنده و
 پژوهشگر برای این موسسه کار می کرد. ایرانیان مقیم
 فرانسه و کانادا را نیز می گویند: باید در اندیشه اقدامات
 مشابهی در برابر موزه لوور (پاریس) و وزارت دفاع کانادا
 نیز بود. با مراجعه به تارنمای این وزارتخانه و



بینه‌هایی که صادر کرده می‌توان مشاهده کرد که دهه‌ها باره به طور صریح از عنوان جعلی «خلیج عربی» استفاده شده است ولی شاید جالبتر از همه این موارد، شرکت‌های خارجی باشند که در داخل ایران شعبه دارند. آن‌ها از منابع طبیعی کشور ما سود سرشاری می‌برند ولی در عین حال برای کسب منفعت بیشتر از انجام هرگونه اقدام غیراخلاقی نظیر کاربرد خلیج عربی نیز رویگردان نیستند و از آنجا که واکنش قابل توجهی از سوی دولت و ملت ایران ندیده‌اند، روز به روز با جسارت بیشتری به این کار ادامه می‌دهند. یکی از این شرکت‌ها، کمپانی نفتی «شل» است که در تهران نیز دارای دفتر است و آزدانه به فعالیتهای خود در ایران ادامه می‌دهد. چندی پیش در یکی از مقاله‌های نشریه این کمپانی از نام «خلیج» به جای «خلیج فارس» استفاده شده بود. طی اعتراضی که به این شرکت شد، رابرت وینز (مدیر کمپانی شل در ایران) این گونه پاسخ داد: «ما تردیدی نداریم که نام این آبروه خلیج فارس است ولی لازم است نسبت به تعداد کثیری که آن را خلیج عربی می‌نامند نیز حساس باشیم.

کمپنی ما در هر دو سو، دارای سهام‌داران و دوستی است، بنابراین هنگامی که شش سال پیش نخستین شماره از مجله خود را منتشر ساختیم، در سطح عالی تصمیم گرفتیم که برای جلوگیری از ایجاد هرگونه ناراحتی در بین خوانندگان ایرانی و عرب از عنوان «خلیج استفاده کنیم...» اما در شل همه چیز به این سادگی نیست! با جست‌وجوی اینترنتی کوتاهی در تاریخ‌های این شرکت می‌توان مواردی از کاربرد «خلیج عربی» را یافت.

به هر حال، موج عظیمی از اعتراضات ایرانیان، در داخل و خارج از کشور برپا شده است، از جمله اعتراض انجمن دانشجویان ایرانی مقیم ژاپن به موسسه نشنال جئوگرافیک «حبیب حسن‌زاده»، دبیر این انجمن، معتقد است این انجمن همگام با مردم ایران در داخل و خارج از کشور و بنا به درخواست دانشجویان اقدام به تهیه یک نامه اعتراضیه و ارسال آن به موسسه نشنال جئوگرافیک و سایر مراکز کرده است. در این نامه آمده است که این اقدام خلاف استانداردهای بین‌المللی است و همچنین به اسناد تاریخی و منابع مطالباتی موجود اشاره کرده است.

همچنان‌که گفته شد: شماری از استادان دانشگاه‌ها، نویسندگان، پژوهشگران، منتقدان و شاعران نیز در نامه‌های خواستار عذرخواهی سریع و شفاف موسسه نشنال جئوگرافیک شدند.

«حسن عباس نصر» تاریخ‌نگار و استاد تاریخ دانشگاه لبنان

نیز با تاکید بر اینکه نام خلیج فارس در همه اسناد و کتاب‌های تاریخی ذکر شده است، می‌گوید: امام خمینی (ره) با سرنگون کردن ژاندارم امریکا در منطقه خلیج فارس، خواهان استقلال خاورمیانه، کشورهای عرب و مسلمان و خودداری آنها از وابستگی به آمریکا شدند. اما برخی حاکمان امیرنشین حاشیه خلیج فارس برخوردی منفی با ایران داشتند.

وی معتقد است: موضوع غیروستانه برخی رسانه‌های کشورهای عرب در برابر ایران مانند تحریف نام خلیج فارس ناشی از فشارهای امریکاست که با همه امکانات به جنگ انقلاب اسلامی آمده است.

نصرا اضافه می‌کند: کسانی که می‌خواهند ماهیت عربی خود را حفظ کنند باید با جمهوری اسلامی ایران به تقاضم برسند تا بتوانند با کشورهای بزرگی که به مال و ثروت آنها چشم دوخته‌اند، رویارویی کنند وی اعتراض ایران را به ناشر اطلس «ناسیونال جئوگرافیک» که خلیج فارس را خلیج عربی نامیده است، منطقی دانست. براساس بررسی نظرات کارشناسان، هر چند استفاده از واژه معمول خلیج عربی با حرکت خودجوش بسیاری از مردم داخل و خارج از ایران مواجه شده است، اما به نظر می‌رسد که دولت نیز باید برای مقابله با اقداماتی که هویت ایرانیان را به چالش می‌طلبد به اقدامات حقوقی ویژه‌ای دست بزند.



هر چند واقعیت این است که خلیج فارس یک نام کهن تاریخی است که از بنو تاریخ بر روی این خلیج گذاشته شده است و انگیزه این تلاش حساب شده برای تغییر نام جز ایجاد فتنه چیز دیگری نیست.

تاریخ به ما نشان داده است که ملل و طوایف بسیاری بر کرانه‌های خلیج فارس استیلا یافته و فرمانروایی کرده‌اند ولی روزگارشان سپری شده و منقرض شده‌اند، اما ایرانیان باهوش و درایت همچنان میراث تاریخی فرهنگی خود را تاکنون نگهداری کرده‌اند.

منابع

- نشریه فرهنگ و پژوهش - ویژه خلیج فارس - ۱۳۸۳.
- مجله‌نامه پیروز، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- کاظمی، سیدعلی اسفند، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
- مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران سینمار خلیج فارس در سال ۱۳۴۱، پی‌نوشتها

۱. به نقل از روزنامه شرق، شماره ۴۲۲، چهارشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۳، صفحه ۲۴